

**Self-control aspects in Citizenship ethics, Based on the teachings of Imam Ali (peace be upon him)***Marzieh Mohases<sup>1</sup>**Fereshte Motamad Langrodi<sup>2</sup>***Abstract**

The increasing development of various social and psychological disorders among different segments of society, the need to promote ethics, citizenship, consistent with religious values have doubled. In this regard, the discovery of the foundations of ethics, citizenship and social behavior draws the preferences system. This study aimed to investigate various aspects of "self-control" in the ethics of citizenship based on the teachings of Imam Ali (AS) was performed. In this project an analytical, descriptive, Alevi teachings about the ethics of citizenship with a focus on the issue of "self-control" has been observed. "Self-control" in the process of behavior modification and deletion abnormalities and realize social harmony among citizens and thereby regulate emotional experiences are very important in order to achieve social and business acceptance of mental health. This is achieved through examining the Alawite doctrine that "self-control" in both attitude and behavior shaping Islamic ethics draws citizenship and social education of citizens addressed to the normative approach also emphasized the need to revise the social ethics and different ways, strengthen self-control targets.

**Keywords**

Self-Control, Restraint, Citizenship, the Imam Ali Teachings, Ethics, Virtue

Please cite this article as: Mohases M, Motamad Langrodi F. Self-control aspects in Citizenship ethics, Based on the teachings of Imam Ali (peace be upon him). *Iran J Bioethics* 2016; 6(21): 73-88.

---

1. Ph.D, Faculty member in Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
(Corresponding author) Email: M\_mohases@sbu.ac.ir.

2. Ph.D Student, University of Alzahra, Tehran, Iran.

## ابعاد خودکنترلی در اخلاق شهروندی بر اساس آموزه‌های علوی (ع)

مرضیه محمص<sup>۱</sup>

فرشته معتمد لنگرودی<sup>۲</sup>

### چکیده

توسعه روزافزون ناپهنجاری‌های مختلف روانی و اجتماعی در بین اقشار مختلف جامعه، ضرورت ارتقای اخلاق شهروندی، همخوان با ارزش‌های دینی را مضاعف ساخته است. در این راستا کشف بنیادهای اخلاق شهروندی، نظام ترجیحات رفتار اجتماعی را ترسیم می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد مختلف «خودکنترلی» در اخلاق شهروندی بر مبنای آموزه‌های امام علی (ع) انجام گرفته است. در این طرح به روش تحلیلی - توصیفی، آموزه‌های علوی مربوط به اخلاق شهروندی با محوریت موضوع «خودکنترلی» رصد شده است. «خودکنترلی» در فرآیند اصلاح و حذف ناپهنجاری‌های رفتاری و تحقق سازگاری اجتماعی در بین شهروندان بسیار تأثیرگذار می‌باشد و موجب تنظیم و تعدیل تجارب هیجانی به منظور دستیابی به مطلوبیت اجتماعی و کسب سلامت روانی می‌شود. از رهگذر بررسی گزاره‌های علوی چنین به دست می‌آید که «خودکنترلی» در دو بعد نگرشی و رفتاری، شاکله اخلاق شهروندی اسلامی را ترسیم نموده و با رویکردی هنجارگرا به تربیت اجتماعی شهروندان پرداخته است. همچنین بر ضرورت تجدید نظر در اخلاق اجتماعی تأکید ورزیده و با روش‌های مختلفی، تقویت خودکنترلی را هدف قرار داده است.

### واژگان کلیدی

آموزه‌های علوی، اخلاق شهروندی، خودکنترلی، خویش‌داری، تقوا

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: M\_mohases@sbu.ac.ir.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

## مقدمه

در عصر حاضر «شهروندی» در زمره مفاهیم نوپدید اجتماعی به شمار می‌آید. این مفهوم به مثابه یک سازه اجتماعی، متناسب با تنوع فرهنگی، حقوقی، سیاسی و... از مؤلفه‌های ویژه‌ای متشکل می‌گردد و ترسیم‌کننده «اخلاق شهروندی» منحصری است، البته پیدایی و ارتقای اخلاق شهروندی اسلامی، مستلزم کاوش روشمند در باورهای متافیزیکی و عقاید متعالی می‌باشد. از آنجا که شاخص‌ترین بعد رسالت پیشوایان دینی، تنظیم روابط اجتماعی پیروان بوده است، لذا بازشناسی مؤلفه‌های اخلاق شهروندی از رهگذر تدقیق در چارچوب معرفتی علوی بسیار ره‌گشا و روشنی‌بخش خواهد بود.

امروزه لزوم تبیین هر چه دقیق‌تر مبانی اسلامی در حوزه اخلاق اجتماعی بیش از پیش احساس می‌شود، زیرا دستیابی بدین مهم، شبکه مفهومی ویژه‌ای را ترسیم می‌نماید و در مواجهه با روند سکولاریزم تربیتی که درصدد است دین را از عرصه تربیت به حاشیه راند، به تخصصی‌تر شدن اخلاق اجتماعی اسلامی می‌انجامد. در پژوهش حاضر همت بر آن است تا یکی از بنیان‌های اخلاق اجتماعی شهروندی، با نگاهی به تعالیم علوی رصد شود. پرسش اصلی این پژوهش آن است که مطابق بیانات حضرت علی (ع)، به کدام یک از ابعاد خودکنترلی در اخلاق شهروندی تصریح شده است؟ چندین پرسش فرعی نیز در این راستا مطرح می‌گردد: مصادیق شناختی خودکنترلی در اخلاق شهروندی کدام است؟ مصادیق رفتاری خودکنترلی در اخلاق شهروندی کدام است؟

در پاسخ به پرسش‌های فوق، این نوشتار ضمن ارائه مفهوم «خودکنترلی» و «اخلاق شهروندی»، به تبیین خودکنترلی از دو حیث نگرشی و رفتاری در حوزه اخلاق شهروندی می‌پردازد.

## مفهوم‌شناسی «خودکنترلی»

خودکنترلی، کنترل رفتار، عمل و اندیشه خود توسط خویشتن است و منبعث از بلوغ ذهنی و ارتقای انسان به مراحل برین است (۱). خودکنترلی را می‌توان عاملی دانست که موجب دگرگونی در هویت انسانی و الگوهای رفتاری می‌گردد. علی‌رغم توجه روانشناسان معاصر بدین موضوع، تعالیم اسلامی با تأکید ویژه‌ای، ضرورت توجه مسلمانان نسبت به مصادیق خودکنترلی را متذکر شده است. خودکنترلی نقش مؤثری در بازدارندگی نسبت به ارتکاب رفتارهای انحرافی

در بین شهروندان ایفا می‌نماید. خودکنترلی توانایی پیروی از درخواست‌های معقول، تعدیل رفتارها مطابق با موقعیت و به تأخیر انداختن خواسته‌ها در چارچوب‌های پذیرفته‌شده اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فرد دیگری می‌باشد (۲). این حالت فرد را بدون نظارت عامل خارجی و تهدید و تطمیع و اجبار به سمت انجام وظایف سوق می‌دهد (۳). بر مبنای تعاریف فوق می‌توان گفت خودکنترلی یک نوع مراقبت درونی است که بر اساس آن وظایف محوله انجام و رفتارهای ناپه‌نجان ترک می‌شوند، بی‌آنکه نظارتی از خارج در کار باشد. به عبارت دیگر فرد بدون توجه به نظارت خارجی، تلاش خود را مصروف انجام وظیفه خود می‌نماید و مرتکب موارد سهل‌انگارانه نمی‌شود.

«خودکنترلی» در نظریات روانشناسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت در نظریه هوش هیجانی به شمار می‌آید (۴). هوش هیجانی، توانایی نهفته‌ای شامل خودکنترلی، شوق، پایداری و توانایی برانگیختن خود است. این نظریه بر این باور است که توانایی کنترل تکانه‌ها و وسوسه‌ها، مبنای اراده و شخصیت و عامل کنترل تکانه‌ها، همچنین برخورداری از حس خودکنترلی است (۵). امروزه نویسندگان غیر مسلمان نیز بر لزوم کنترل درونی اذعان دارند و معتقدند ظهور بسیاری از مشکلات بدین سبب است که افراد به دنبال کنترل‌کننده‌هایی از بیرون هستند، حال آنکه عموماً این انتظار پاسخ مثبتی به همراه ندارد و از آنجایی که جامعه متشکل از مجموعه افراد است، پس مجموعه‌ای از کنترل‌های درونی، کیفیت یک جامعه را می‌سازد (۶). خودکنترلی مستلزم مدیریت و مهار احساسات است و افراد خویشتن‌دار از ثبات هیجانی بیشتری برخوردارند و این ویژگی کارایی آن‌ها را افزایش می‌دهد (۷). مفهوم خودکنترلی در روانشناسی با اصطلاحات ذیل تداعی می‌گردد:

### ۱- خودنظم‌دهی

خودنظم‌دهی به تمرین کنترل بر خود به منظور بازگشت به مسیر استانداردهای ترجیحی گفته می‌شود (۸) و از ۳ جزء تشکیل شده است: استانداردهای فکری، احساسی و رفتاری، انگیزش کاهش تناقض بین استانداردها و موقعیت، قدرت کافی برای تغییر (۹). خودنظم‌دهی در تعریفی دیگر به هدایت یا تنظیم رفتارهای خویش به منظور رسیدن به برخی اهداف یا حالات غایی مطلوب اطلاق شده است (۱۰).

## ۲- خودمهارگری

خودمهارگری به عنوان نیروی درونی برای بازداری و نپذیرفتن است و نتیجه فرآیندها و باورهای اخلاقی، سطح مذهبی بودن والدین، مشارکت فرد در فعالیت‌های مذهبی می‌باشد (۱۱). پژوهشگران اصطلاح خودمهارگری را در موقعیت‌هایی به کار می‌برند که افراد در آن به رفتارهایی مشغول می‌شوند که بر کشش‌های بسیار نیرومند فائق آیند و تمایلات خویش را به گونه‌ای تغییر می‌دهند که مستلزم متوقف نمودن هدفی برای رسیدن به هدفی با سودمندی طولانی‌مدت می‌باشد (۱۲). روانشناسان معتقدند سازمان‌های مذهبی همچون منبعی بیرونی می‌توانند در خودمهارگری‌ها بسیار مفید باشند. از این منظر باورهای مذهبی سبب به تعویق انداختن لذت‌جویی، کاهش رفتارهای مجرمانه و کسب میزان بالایی از خودمهارگری می‌گردد (۱۳). در روانشناسی نوین غالب مشکلات فردی و اجتماعی نوعی شکست در خودمهارگری محسوب می‌شود (۱۴). از این منظر خودمهارگری بالا، ارتباط بهتر و مدیریت بهتر خشم را نتیجه خواهد داد (۱۵). به نظر برخی خودمهارگری با هدف تنظیم افکار، رفتار، هیجانات و تکانه‌ها توسط افراد در اسلام دارای اهمیت است و اصلی‌ترین عامل خودمهارگری عقل نام دارد که دارای دو جنبه شناختی به نام علم و جنبه بازداری و رفتاری به نام تقواست (۱۶). محققان توانایی خودکنترلی را یکی از ویژگی‌های شخصیت بالنده می‌دانند (۱۷). به تعبیری دیگر توان کنترل خویشتن و احساس این‌که انسان می‌تواند خویشتن را کنترل نماید، یکی از ویژگی‌های شخصیت سالم است (۱۸). می‌توان ادعان داشت چنانچه خودکنترلی ایجاد و تقویت گردد، کارکردی به مراتب کارآمدتر از نظارت بیرونی دارد و افراد را به مقام واقعی خود ارتقا می‌بخشد.

در این راستا یکی از مسائلی که امیرالمؤمنین (ع) بدان توجه خاصی مبذول داشته‌اند، مسأله «خویشتن» است. انسان از دیدگاه امام سرشار از استعدادها و توانایی‌های گوناگون در جهت نیل به تعالی و تکامل معنوی می‌باشد و تحقق این مهم منوط به خودشناسی است. از این منظر، با افزایش سطح خودشناسی و خداباوری، خودکنترلی افراد نیز ارتقا می‌یابد.

## مفهوم‌شناسی «اخلاق شهروندی»

اخلاق به معنای ملکات نفسانی و هیئات روحی یا صفات پایدار و راسخ نیکو است که باعث می‌شود کارهای پسندیده یا ناپسند به آسانی از نفس نشأت گیرند (۲۰-۱۹). از منظر محققان

شهروند شخصی است که دارای دانش و اطلاعات کافی درباره اجتماع و نگرش مناسبی نسبت به فضیلت‌های مدنی می‌باشد و مجهز به مهارت‌هایی است که امکان مشارکت وی را در امور و فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌کند (۲۱). شهروند دیگران را به مثابه یک شهروند برابر با خود تلقی می‌کند و می‌پذیرد که ارزش و اعتبار و هویت آن شهروند برابر هویت خود اوست (۲۲). شهروندی دربردارنده مجموعه به هم پیوسته‌ای از وظایف، حقوق تکالیف و تعهدات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکسان است و برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا و امتیازات اجتماعی را دربر می‌گیرد (۲۳) و تقویت اخلاق شهروندی، راهبرد فرهنگی کارآمدی در جهت پیوند حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر می‌باشد؛ اهمیت این امر تا بدانجاست که لزوم آموزش و پرورش اخلاق شهروندی ضرورت می‌یابد (۲۴). محققان بر اثربخشی سازمان‌های مذهبی به مثابه یک منبع حمایت‌کننده بیرونی در افزایش خودکنترلی و کاهش کجروی‌های اجتماعی شهروندان اذعان داشته‌اند (۲۵).

شهروند جامعه اسلامی که به موجب عضویت در اجتماع شهری، از حقوق و تکالیفی برخوردار گردیده، با تأسی از آموزه‌های علوی و آراسته‌شدن به اخلاق شهروندی کنترل شده، خویشتن را از عوامل انحرافی صیانت می‌نماید و تعالی فردی و اجتماعی را می‌جوید.

### ابعاد خودکنترلی در اخلاق شهروندی بر مبنای تعالیم علوی

خودکنترلی به مثابه یک اهرم اجتماعی در کاهش کجروی‌های شهروندان بسیار تأثیرگذار است. برخی نظریه‌پردازان غربی بر جنبه‌های بیرونی «خود» مانند رفتار تمرکز نموده و برخی بر جنبه‌های درونی‌تر همچون افکار و احساسات تأکید داشته‌اند (۲۶-۲۷)، البته لازم به ذکر است در تحقیقات غربی، خودکنترلی رفتاری متأثر از نظریه معرفت‌پذیری اجتماعی، بیشتر مورد عنایت پژوهشگران قرار گرفته است. بر اساس این نظریه، فرد از طریق عوامل محیطی، پیامدها و فرآیندهای شناختی ادراکی، رفتارهای جدید را فرا می‌گیرد و به طور مداوم رفتارها را کنترل می‌کند (۲۸). در آثار غربی، آراستگی شخصی، دانش محوری، سخت‌کوشی، وطن‌دوستی، نوع‌دوستی، مشارکت و تبعیت از قانون در زمره مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق شهروندی به شمار می‌آید که دربردارنده نوعی از خودکنترلی می‌باشد (۲۹).

از منظر آموزه‌های علوی خودکنترلی، ساز و کار کارآمدی در جهت مبارزه با پدیده‌های ناهنجار در زیست شهروندی به شمار می‌آید. این آموزه‌ها با ارتقای خودمهارگری، موجب رشد رفتارهای فضیلت‌مندانه می‌گردد. در این بخش به تبیین ابعاد خودکنترلی در حوزه اخلاق شهروندی بر مبنای کلام امام علی (ع) پرداخته می‌شود. بدین منظور، این ابعاد در دو بخش شناختی و رفتاری مطرح می‌شوند:

### ۱- خودکنترلی نگرشی

«نگرش» یکی از مفاهیم بسیار حائز اهمیت در روانشناسی اجتماعی به شمار می‌آید. هر یک از اندیشمندان مؤلفه‌های خاصی را به عنوان اجزای ساختاری این مفهوم برشمرده‌اند. برخی ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک موضوع معین را نگرش بدان نامیده‌اند (۳۰). در تعریفی دیگر نگرش‌ها همان باورهای ارزشیابانه درباره موضوعات تلقی شده که هدف از طرح آن تبیین رفتار یا بیان چرایی آن و به طور کلی کشف عامل محرک در رفتارهای اجتماعی انسان است (۳۱). نگرش به عنوان نشانگر یا پیش‌بینی‌کننده رفتار عمل می‌کند (۳۲) و ارزیابی موجزی از متعلق اندیشه می‌باشد و همچون پرونده‌ای ذهنی است که افراد برای ارزیابی یک موضوع به آن رجوع می‌کنند (۳۳). نکته حائز اهمیت آنکه ارتباط تنگاتنگی میان نگرش‌ها و رفتارهای انسان وجود دارد. روانشناسان در تحلیل این امر اذعان داشته‌اند که دو ساز و کار برای تأثیرگذاری نگرش بر رفتار وجود دارد: ساز و کار اول عبارت است از «نگرش، تفکر مستدل، رفتار»، این ساز و کار زمانی محقق می‌شود که تفکر عمیق و دقیق در باب نگرش‌ها انجام شود و کاربرد آن در رفتار مورد سنجش قرار گیرد. ساز و کار دوم عبارت است از «نگرش، رفتار بی‌تأمل» که به سبب ضیق وقت در تصمیم‌گیری‌های روزمره، واکنشی فوری در قالب رفتاری مناسب انجام می‌شود (۳۴). به عبارت دیگر مجموعه حالات ذهنی و افکار یک فرد در برداشت‌ها و تفسیرهای او از عوامل تنش‌زا در زیست شهروندی و نحوه رویارویی با آن تأثیر مستقیم دارد. از آنجایی که اندیشه‌های بشری بر نظام ارزش‌ها و بینش‌ها استوار است، انسان‌ها می‌توانند با تغییر نگرش‌های خویش، تعاملات شهروندی خویش را تغییر دهند.

مقصود از خودکنترلی نگرشی در اخلاق شهروندی، مهار اندیشه و ساحت فکر از ناراستی‌ها است. این‌که شهروندان با خویش‌تن‌داری فکری و عنایت به وجوه معنوی امور، تعامل خود با سایر شهروندان را ساماندهی نمایند. خودکنترلی نگرشی مستلزم تحقق زمینه‌های ذیل می‌باشد:

۱-۱- **عقل‌مداری:** در بیانات امام علی (ع) تأکید ویژه‌ای بر شأن و منزلت عقل شده است: «هیچ نعمتی برتر از عقل نیست» (۳۵) و نیز «کسی که عقل ندارد، دین ندارد» (۳۵) از این منظر سعادتمندترین فرد و نزدیک‌ترین انسان به خداوند، شخص عاقل دانسته شده است (۳۵). همچنین ایشان بر آن است که خداوند چیزی برتر از عقل در میان بندگانش تقسیم نکرده است (۳۵). سخن اخیر حضرت علاوه بر آنکه وجود نعمتی به نام عقل را در انسان به رسمیت معرفی می‌کند، وجه ارزش‌شناختی عقل را نیز بیان می‌دارد.

از منظر امام (ع) شکوفایی عقل در گروه علم و تجربه است و تحصیل علوم، یکی از مهم‌ترین راه‌های تربیت و تکمیل عقل نظری است، حتی عقل عملی نیز برای انجام وظایف خود، به علم نیاز دارد (۳۶). ایشان می‌فرمایند: «به راستی تو با عقلت سنجیده می‌شوی، پس آن را با علم زیاد گردان» (۳۵) و نیز تجربه‌اندوزی را پرورش‌دهنده عقل می‌داند (۳۵). ایشان در تعبیری عقل را به درختی تشبیه کرده که ریشه آن، فکر و میوه‌اش سلامت از لغزش‌ها است (۳۵). بر این اساس، تفکر، جریان‌ی قاعده‌مند، منظم و جهت‌دار و در نتیجه، منتج و مولد است. تفکر در این معنا، هدایت‌شده و تحت نظارت و مراقبت عقل از آلودگی به شوائب وهم، خیال، شهوت و غضب است. موهبت عقل در کلام حضرت (ع) منشأ همه تکاپوها، تلاش‌ها و کوشش‌ها در زندگی انسان می‌باشد (۳۶) و انسان به وسیله نیروی عقلانی به تصرف در محیط پیرامونی می‌پردازد و اصل استخدام متقابل که موجب ظهور اجتماعات انسانی می‌باشد را پی‌ریزی می‌کند و بدین سان صلاح‌اندیشی شهروندی، معلول ابزار تفکر و اندیشه می‌باشد.

ایشان مخاطبان را از تن‌آسایی فکری و انفعال عقلانی نسبت به رسوبات فکری پیشینیان باز می‌دارد. حضرت، مخاطبان را به اندیشه پیرامون کنه حقیقت و تحلیل منطقی موضوعات سوق می‌دهد و ضمن بصیرت‌افزایی و وضوح‌بخشی به محدودیت‌های شناختی انسان‌ها، آنان را به لزوم برقراری روابط اجتماعی همسطح فرا می‌خواند.

۱-۲- **عدالت‌گرایی:** در محیطی که فرهنگ خودکنترلی در آن نهادینه و حاکم است معمولاً افراد، بدون انجام‌دادن کار مفید توقع و چشم‌داشتی نداشته، حقوق دیگران را پایمال



نموده و به خود اجازه نمی‌دهند که به امکانات و منافع جمعی صدمه وارد کنند و یا در انجام دادن وظایف خود قصور و کوتاهی نشان دهند، لذا عدالت اجتماعی محقق خواهد شد.

عدالت‌گرایی به طور فطری در نهاد بشر سرشته شده و بنمایه اخلاق و سیاست علوی را تشکیل داده است. در نگاه حضرت (ع) عدالت، رأس و هسته اصلی ایمان و سرچشمه خوبی‌ها (۳۵)، محکم‌ترین بنیان (۳۵) و مضاعف‌کننده نیکی‌ها است (۳۵). حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر، عدالت فراگیر را به مثابه محبوب‌ترین امور یاد می‌کند (۳۵).

عدالت‌گرایی مبنای اساسی روابط سازگار انسانی و هم‌اجتماعی مسالمت‌آمیز افراد در جامعه می‌باشد. ایشان می‌فرمایند: «انصاف است که پیوند انسان‌ها را بیشتر می‌کند» (۳۷). می‌توان گفت عدالت و انصاف در اخلاق شهروندی منجر به هم‌اجتماعی مسالمت‌آمیز، توسعه پایدار در روابط میان فردی و تداوم روابط اجتماعی می‌گردد. پایبندی به اصل برابری همه شهروندان در مقابل قانون از یکسو و لزوم رعایت حقوق شهروندان از سوی دیگر در زمره ثمرات عدالت‌گرایی به شمار می‌آیند.

## ۲- خودکنترلی رفتاری

اخلاق شهروندی در حوزه رفتاری، دربردارنده مجموعه حالات یا ویژگی‌هایی است که عمل افراد در تعامل با پیرامون، بدان متصف شده است. حضرت امیر المؤمنین (ع) در زمینه رفتارهای خویشتن‌دارانه اجتماعی به رعایت ضوابط ذیل توصیه نموده‌اند:

۱-۲- تقوا: تقوا از ریشه (وقی) و در لغت به معنای بازدارندگی، نگهداری و صیانت از آسیب‌هاست (۳۸). بررسی سیر تطور دلالتی واژه تقوا گویای آن است که حفظ و صیانت از هر امر زیانبار، از مهم‌ترین معانی آن محسوب می‌شود. این لغت پس از ورود به ساحت واژگان اسلامی، جنبه روحانی یافت و در معنای خوف از خدا و صیانت نفس از گناهان به کار رفت. تقوا از مباحث مهم دینی و همچنین از مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاقی است که تأثیر شگرفی بر رفتار فردی و اجتماعی انسان دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «آیا کسی که بنیان [آمورش] را بر پایه تقوای الهی و رضای او نهاده بهتر است یا کسی که بنیان [آمورش] را بر لب پرتگاهی سست و فروریختنی نهاده؟! و آن بنا با بناکننده‌اش در جهنم سقوط می‌کند». به عقیده محققان معاصر، تقوا حاصل معادله «یادآوری، بینش، بازداري» می‌باشد و در ادبیات پیشوایان با تعبیرهایی همچون امساک، قصر، اجتناب، ترک، حصن، وقایه و حاجز آمده است لیکن «خودنگهداری»

ترجمه صحیحی از واژه تقوا است (۳۹-۴۰). محققان تقوا را همان کوشش‌های عقلانی فرد برای تنظیم رفتار و پیشگیری از آسیب‌ها می‌دانند و آن را از جمله ضروریات یک زندگی شرافتمندانه به شمار می‌آورند (۴۱).

خودکنترلی در اخلاق شهروندی به معنای نظارت و مواظبت فرد بر اعمال و رفتار خویش و در نتیجه انجام‌دادن وظایف به نحو مطلوب و پرهیز از انحرافات در مجموعه زیست شهروندی می‌باشد. این روش، در مقایسه با روش نظارت بیرونی کارکردی بهتر و کارآمدتر دارد، زیرا افراد با کنترل خویشتن به مراقبت اعمال و رفتارشان می‌پردازند.

در تعالیم نهج‌البلاغه تقوا سرآمد اخلاق محسوب می‌شود (۴۲) و حداقل رفتار خودکنترلی تظاهر به خویشتن‌داری معرفی شده است (۴۲). همچنین خویشتن‌داری در برابر بی‌خردان موجب کسب مقبولیت اجتماعی می‌گردد (۴۲). از منظر آموزه‌های علوی، تسلط بر نفس جز در سایه یاد فراوان قیامت و بازگشت به سوی خداوند میسر نیست (۴۲). امام علی (ع) در ابتدای نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، مالک اشتر را به تقوای الهی فرا می‌خواند و آن را زمینه‌ساز رستگاری معرفی می‌نماید (۴۲).

امام علی (ع) می‌فرماید: «از خودت مراقبی بر خویشتن قرار بده» (۳۵) و می‌فرماید: «مالک شو بر خود هوای خود را و بخیلی کن بنفس خود از آنچه حلال نیست از برای تو، پس بدرستی که بخیلی کردن بنفس حقیقت جود و کرم است» (۳۵). همچنین می‌فرماید: «محاسب نفس خودت باش، زیرا برای غیر خودت، نظارت‌کننده‌ای وجود دارد» (۳۵). امام علی (ع) در خطبه ۹۰ بر لزوم کنترل درونی اشاره صریحی دارد و چنین می‌فرماید: «بندگان خدا خود را بسنجید، قبل از آنکه مورد سنجش قرار گیرید» (۴۲).

**۲-۲- راستگویی:** یکی از ابعاد مهم خودکنترلی در اخلاق شهروندی، راستگویی است. صداقت در حقیقت هماهنگی میان برون و درون انسان و مطابقت اندیشه و پندار با گفتار و کردار انسان است. امام علی (ع) راستگویی را به عنوان لباس دین، جمال آدمی و ستون ایمان نجات و کرامت انسان، روح کلام، برادر عدل، ثمره عقل و بهترین گفتار (۳۵) معرفی کرده‌اند. از دیدگاه امام علی (ع) اگر مردم به راستگویی ملزم باشند، تمامی بحران‌های فردی و اجتماعی سامان می‌یابد، زیرا ایشان صداقت را مایه نجات و اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی دانسته‌اند (۳۵). ایشان در نامه ۵۳ به همنشینان با راستگویان سفارش می‌نمایند (۴۲).

در آموزه‌های علوی راستگویی نشانه ایمان راستین فرد در عرصه تعاملات اجتماعی است و پایبندی به عهد و پیمان‌ها در مناسبات اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (۳۲).

۳-۲- **بردباری:** یکی دیگر از ابعاد خودکنترلی در اخلاق شهروندی بردباری است. این خصیصه اخلاقی موجب تحقق هم‌اجتماعی مسالمت‌آمیز می‌شود.

حضرت علی (ع) شکیبایی را همچون نسبت سر به بدن دانسته است (۴۲)، زیرا همان‌گونه که سر، نشانه حیات بدن است، صبر نیز وسیله آسودگی افراد می‌باشد (۴۲). امام علی (ع) در وصیت به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «خویشتن را به صبوری در برابر ناخوشایندها عادت ده که بهترین خوی شکیبایی است» (۴۲) و نتیجه بردباری عدم کوتاهی در کارها و مشارکت در جهت منافع عمومی است. این بعد از اخلاق شهروندی ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و مشارکت پایدار شهروندان است و منجر به پیشرفت جامعه و ارتقای کیفیت زندگی جمعی می‌شود.

از سوی دیگر بردباری به مثابه یک اخلاق شهروندی برجسته، موجب شکل‌گیری شاکله اجتماعی میانه‌رو خواهد شد. بهترین نظام اخلاقی از منظر حضرت (ع)، نظامی میانه‌روست. آن حضرت یکی از اوصاف متقین را میانه‌روی در امور می‌دانند (۴۲) و نیز می‌فرمایند: «در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، شاید روزی دوست تو گردد» (۴۲)، لذا شهروند با خودکنترلی و بردباری، زمینه‌ساز اتخاذ رویه اعتدالی در زیست شهروندی خواهد شد.

۴-۲- **حفظ محیط زیست:** اخلاق زیست‌محیطی، یکی دیگر از ابعاد خودکنترلی در اخلاق شهروندی است. اخلاق محیط زیست شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به برخورد انسان‌ها با عالم غیر انسانی و عناصر غیر انسانی می‌پردازد. اخلاق زیست‌محیطی در نهج‌البلاغه، اخلاقی خدامحور است و برگرفته از جهان‌بینی توحیدی است. بر این اساس، خداوند خالق جهان و مراقبت از محیط زیست، مراقبت از چیزهایی است که متعلق به خداوند است. امام علی (ع) در نامه‌ای به یکی از کارگزاران درباره شیوه ورود به میان حیوانات چنین سفارش می‌کند که مانند کسی که بر حیوانات چیرگی و قصد آزار و اذیت آن‌ها را دارد، بر آن‌ها وارد نشود (۴۲). همچنین در این‌باره که اگر زکات‌دهندگان تمایل داشتند زکات شتر و گوسفندان را بپردازند، این‌گونه می‌فرماید: «میان ماده شتر و بچه شیرخوارش جدایی بیفکن و ماده را چنان ندوشان که شیرش

اندک ماند و به بجهاش زیان رساند» (۴۲). همچنین بر تغذیه و سیراب کردن و استراحت دادن حیوانات سفارش می‌کند (۴۲).

رعایت حقوق و احترام به حیوانات آنچنان در آموزه علوی اهمیت دارد که حضرت (ع) در مقابل تمام هستی و اقالیم هفت‌گانه، حاضر به گرفتن پوست جویی از دهان مورچه‌ای به ظلم و ستم نیست (۴۲). امام علی (ع) افراد را در برابر محیط زیست مسؤول می‌داند و چنین می‌فرماید: «از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید که شما در پیشگاه خداوند مسؤول بندگان شهرها و آبادی‌ها هستید، زیرا حتی از خانه‌ها و حیوانات بازپرسی خواهید شد» (۴۲).

ایشان درباره زیان آلوده کردن محیط زیست می‌فرماید: «در نقطه برآمده مانند پشت بام، در هوا و در آب جاری ادرار نکنید که هر کس چنین کند به بلایی گرفتار آید، جز خویشتن را سرزنش نکند» (۴۰). در نگره علوی برای مسلمانان شایسته نیست آب را که مایه حیات انسان و هر موجود زنده‌ای است، آلوده کند. حضرت (ع) در این زمینه می‌فرماید: «آب ساکنانی دارد، با ادرار و غائط (مدفوع) آن‌ها را نیازارید» (۴۱).

**۵-۲- مدارا:** تکریم شهروندان و مدارا با آنان، یکی دیگر از شاخصه‌های خودکنترلی در اخلاق شهروندی است. امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به فرزندش امام حسن (ع) چنین سفارش می‌کند: «خویشاوندان را گرامی دار، زیرا آن‌ها پر و بال تو می‌باشند که با آن پرواز می‌کنی و ریشه تو هستند که به آن‌ها باز می‌گرددی و دست نیرومند تو می‌باشند که با آن حمله می‌کنی» (۴۲). خودکنترلی روش مؤثر برای ارتقای روابط میان فردی است که منجر می‌شود فرد روابط مثبت‌تری با دیگران داشته باشد. امام علی (ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر چنین سفارش می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آن‌ها را غنیمت دانی» (۴۲). در این سفارش حضرت (ع) آنچه را که موجب گرایش مردم به مالک اشتر می‌شود را میزان محبتی دانسته که او نسبت به مردم مبذول خواهد داشت. واقعیت این است که بدون رفق و مدارا نمی‌توان روابط و مناسبات انسانی را سامان بخشید و به کامیابی و توفیقی رسید به بیان حضرت امیر المؤمنین (ع)، نرمی و ملایمت کلید کامیابی است (۳۵). از منظر ایشان عقلانیت اقتضا می‌کند که این اصل، محور زندگی و روابط انسانی باشد (۳۵). امام (ع) رفق و مدارا را تسهیل‌کننده روابط و مناسبات اجتماعی می‌داند. چنانکه حضرت (ع) می‌فرماید: «نرمی و ملایمت به آشتی می‌انجامد» (۳۵).

## نتیجه‌گیری

خودکنترلی به عنوان بهترین نوع نظارت در زیست شهروندی می‌باشد. در این راستا پیدایی و ارتقای اخلاق شهروندی اسلامی، مستلزم کاوش روشمند در باورهای متافیزیکی و عقاید متعالی می‌باشد. از آنجا که شاخص‌ترین بعد رسالت پیشوایان دینی، تنظیم روابط اجتماعی پیروان بوده است، لذا بازشناسی مؤلفه‌های اخلاق شهروندی از رهگذر تدقیق در چارچوب معرفتی علوی بسیار ره‌گشااست. خودکنترلی را می‌توان عاملی دانست که موجب دگرگونی در هویت انسانی و الگوهای رفتاری می‌گردد. علی‌رغم توجه روانشناسان معاصر بدین موضوع، تعالیم اسلامی با تأکید ویژه‌ای، ضرورت توجه مسلمانان نسبت به مصادیق خودکنترلی را متذکر شده است. خودکنترلی نقش مؤثری در بازدارندگی نسبت به ارتکاب رفتارهای انحرافی در بین شهروندان ایفا می‌نماید. این حالت فرد را بدون نظارت عامل خارجی و تهدید و تطمیع و اجبار به سمت انجام وظایف سوق می‌دهد. این مفهوم در نظریات روانشناسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت در نظریه هوش هیجانی به شمار می‌آید و با اصطلاحات «خودنظم‌دهی» و «خود مهارگری» تداعی می‌گردد.

از آنجا که شهروندی در بردارنده مجموعه به هم پیوسته‌ای از وظایف، حقوق تکالیف و تعهدات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکسان است و برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا و امتیازات اجتماعی را دربر می‌گیرد، پس تقویت اخلاق شهروندی، راهبرد فرهنگی کارآمدی در جهت پیوند حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی با یکدیگر می‌باشد. محققان بر اثربخشی سازمان‌های مذهبی به مثابه یک منبع حمایت‌کننده بیرونی در افزایش خودکنترلی و کاهش کجروی‌های اجتماعی شهروندان اذعان داشته‌اند.

مطالعه بیانات امام علی (ع) گویای این مهم است که ایشان در قالب دو مجموعه «خودکنترلی نگرشی» و «خودکنترلی رفتاری» به ضرورت اتخاذ این رویه اذعان داشته‌اند. خودکنترلی نگرشی از یکسو مستلزم بهره‌گیری از نیروی عقلانی و صلاح‌اندیشی شهروندی می‌باشد و از سوی دیگر در قالب عدالت‌گرایی منجر به هم‌اجتماعی مسالمت‌آمیز، توسعه پایدار در روابط میان‌فردی و تداوم روابط اجتماعی می‌گردد. مصادیق خودکنترلی رفتاری نیز عبارت از تقوا، راستگویی، بردباری، حفظ محیط زیست و مدارا است.

**References**

1. Sarookhani B. Encyclopedia of Social Sciences. Tehran: Kayhan; 1376. 2: 717. [Persian]
2. Qadiri MH. The child self-control, self-control yeast ethics. Tehran: The Education way; 1389. No.11. p.78-116. [Persian]
3. Alvani M. Public Administration. Tehran: Reed Publishing; 1380. p.43. [Persian]
4. Borba M. The step-by step plan to bulding moral intelligence. New York: The Guilford Press; 2005. p.34.
5. Goleman D. Emotional intelligence. Translated by Nasrin Parsa. Tehran: Growth Publishing; 1380. p.19. [Persian]
6. El Klinke CH. Life skills. Translated by Shahram Mohammad Khani. Tehran: publishing Espand Art; 1383. p.101.
7. Noori N. The psychological syndrome wait in the Qur'an. Journal of psychology of religion 1387; 4: 150. [Persian]
8. Vohs KD, Baumeister RF. Understanding Self-Regulation. In R.F. Baumeister & K.D.Vohs (Eds.), Handbook of Self-Regulation. New York: The Guilford Press; 2004. Vol.1 p.1-9.
9. Hofmann W, Schmeichel BJ, Baddeley AD. Executive functions and self-regulation. Trends in Cognitive Sciences; 2012. p.174-180.
10. MC Cullough ME, Brain LB. Religion, Self-Regulation and Self-Control: Associations, Explanations and Implications, Psychological Bulletin. 2009; Vol.135 p.69-93.
11. Wikstromm P, Treiber K. The Role of self-control in crime causation. European Journal of Criminology 2007; 4: 237-264.
12. Rafiee Honar H. Islam, moral and psychological self-control. Quarterly Journal of morality revealed.the third number 1392; 8(4): 167.
13. Kivetz R, Yuhang Z. Determinants of Justification and self-control. Journal of Experimental Psychology General 2006; 12(10): 572-587.
14. Baumeister RF. Self-Regulation and Executive Function: The self as Controlling Agent. Edited by Kruglanski AW, Higgins ET. Social psychology: Handbook of basic principles. New York: Guilford Press; 2007. p.516-539.

15. Tangney JP. High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades and interpersonal success. *Journal of personality* 2007; 72: 271-324.
16. Salehi A. The effectiveness of self-control based upon Islamic sources, psychology master's thesis. Imam Khomeini Education and Research Institute; 1391. p.86.
17. Shoarinejad AA. A new approach to healthy human psychology. Tehran: Publication of Information; 1385. p.425.
18. Landin RW. Theories and systems in psychology/ Translated by Yahya Syed Mohammad. Tehran: publication of edit; 1378. p.306.
19. Toreihi F. *Majmaolbahrein*. Tehran: Publication of Mortazavi; 1375. p.158.
20. Javadi Amoli A. Moral principles in the Quran. Qom: the center of Isra Publishing; 1390. p.73.
21. Farmahinifarahani M. *Citizenship Education*. Tehran: Publication of Ayeej; 1383. p.7.
22. Ghaedi Y. *Citizenship Education*. *Journal of Educational Innovations* 1385; 5(7): 183.
23. Gates E. Where is the moral in citizenship education. *Journal of moral education Routled* 2006; 4(35): 27-31.
24. Danju I, Uzunboylu H. A Content analysis of citizenship education. 2016; p.173-967.
25. Geyer AL, Baummeister RF. Religion, Morality & self-Control: Values, virtues, & vices. Edited by Paolourzian RF, Park CL. *Handbook of the Psychology of Religion & spirituality*. New York: Guilford Press; 2005. p.412-432.
26. Cautela JR. Behavior Therapy and self-control: Techniques and Applications. Edited by in Frank CM. *Behavioral Therapy: Appraisal and status*, New York: McGraw-behavior; 1969. p.313-340.
27. Luthans F, Davis T. Behavioral Self-management (BSM): The Missing Link in Managerial Effectiveness. *Organizational Dynamics* 1979. 3(46): 12-13.

28. Blanchard K. Point of power can Help self-leadership. Manage 1995; 3(46): 12-13.
29. Meihui L. The development of civic values: Case study of Taiwan, International Journal of educational research 2001; 1(35): 45-60.
30. Karimi Y. Attitude and attitude change. Tehran: Published by Edit; 1379. p.235.
31. Schneider David J. Social psychology. London: Wesley; 1976. p.260.
32. Mohseni M. Survey of knowledge, attitudes and social behaviors culture in Iran. Tehran: Secretariat of the General Council of the country; 1379. p.17-18.
33. Boehner J, Michael V. Attitude and changing it. Translated by Manijeh Sadeghi Benis. Tehran: Savalan; 1382. p.56.
34. Razzaghi H. Attitude and faith in religious education. Qom: Educational institute of Imam Khomeini; 1387. p.199.
35. Tamimi Amedi A. Gorar alhekam & Dorraro al kalem. Researched by mahdi Rajai. Qom: Dar alketab aleslami Publishing; 1410. p.777.
36. Beheshti S. Religion Reasoning: Research on rational educational system based on the sayings of Imam Ali (AS). Tehran: Cultural Institute of Knowledge; 1381. p.153.
37. Barzegar Kelishami V. Society from the perspective of Nahj al-Balagha. Tehran: The capital of publishing Islamic Propagation Organization; 1372. p.235-236.
38. Raghieb Isfahani H. Mofradat alfaz alquran alkarim. Researched by Safwan Adnan Daoud. Beirut: Dar al-Qalam; 1412. p.881.
39. Motahari M. Ten speech. Tehran: Sadra Publications; 1378. p.17.
40. Pasandideh A. Ethics. Tehran: published by Samt; 1389. p.84-86.
41. Ghaemi A. The system of family life in Islam. Tehran: Parents and Educators Publications; 1386. p.224.
42. Sharif Al-Radi M. Nahj al-Balagha. Researched by Sobhi Saleh. Qom: published by migration; 1414. p.508.